

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا أبي القاسم المصطفى محمد و على أهل بيته الطيبين الطاهرين و اللعن على اعدائهم أجمعين.

سخن در این بود که نصب قاضی به استفاضه اثبات می شود یا خیر؟ گفتیم اگر موجب علم به معنای علم منطقی باشد قطعاً مثبت است و محل کلام نیست و علاوه اثبات آن به مؤدای شهادت عدلین هم مطابق با اصل است و محل اشکال نیست، مرحوم مقدس اردبیلی (ره) در مجمع الفائده می فرماید: الظاهر ان ثبوت الولاية بالشاهدين مما لانزاع فيه بل مجمع عليه لاكثر الاحكام لانها حجة شرعية الا فيما شرط اكثر مثل الزنا و كذا بالسماع عنه عليه السلام و اما بالاستفاضه فالمشهور ذلك ايضا بل ما نجد فيه خلافاً.

تا این جا مطلب می فرماید اثبات با بینه که تابع قاعده حجیت بینه است که در همه جا الا فیما استثنی جاری است ولی اگر کسی هم نصب قاضی را از امام شنیده کلامی در آن نیست، اما با استفاضه هم مشهور قائل هستند که ثابت می شود و نفی خلاف هم وجود دارد؛ خود ایشان توضیح می دهد و ان فسرت باخبار جماعة تفيد العلم اليقيني فلانزاع ايضا بل هو اقوى من الشاهدين اگر مراد از استفاضه استفاضه ای باشد که علم یقینی را افاده می کند این هم محل نزاع نیست چون تردیدی نیست که بینه دلیل ظنی تعبدی است در حالی که علم دلیل قطعی یقینی عقلی است و روی این مبنا اگر مراد از استفاضه علم یقینی است اقوای از دو شاهد است لان العلم متبع بالعقل و النقل در حالی که حجیت قول عدلین فقط از باب تعبد است نه از باب دلیل عقل کما این که قاضی در مرافعات می تواند به علم خودش عمل کند.

بخش دوم فان فسرت بما افاد الظن الغالب المتآخم للعلم بل هو العلم العادي العرفي الذي لا يضره الاحتمال البعيد الذي هو مجرد التجويز العقلي فالظاهر انه كذلك فلا ينبغي النزاع ايضا و لا في ثبوت غيرها من الاحكام الا ما نص الشارع بخلافه و كذا بغيرها حتى الكتابه

می فرمایند ما دو اصطلاح در علم داریم؛ یک اصطلاح در علم آن علمی است که همان علم قطعی یقینی است که عقلا احتمال خلاف در آن راه ندارد و یک علم، علم عادی یا عرفی است در این علم مراد آن ظن قوی است که نزدیک به یقین است گرچه احتمال عقلاییه بر خلاف راه دارد ولی این احتمال عقلی بر خلاف آن قدر ضعیف است که عرفا مورد توجه قرار نمی گیرد و معتنا به نیست. و این فقط در اثبات قضاوت نیست بلکه موارد دیگر از احکام هم به وسیله استفاضه مفید علم عادی و عرفی اثبات می شود مگر جایی که شارع نصی بر خلاف داشته باشد. ایشان می فرماید قضاوت نه تنها با استفاضه بلکه با کتابت هم ثابت می شود. مجمع ج 12 ص 32

(دعوی مفصلی در حقوق امروزی مطرح است که ادله اثبات در قوانین وضعی شامل اقرار، شهادت، سوگند، امارات قضایی و سند دانسته است ولی در فقه بحث سند و کتابت جدا محل گفتگو است برخی آن را رد می کنند، برخی آن را از باب شهادت می دانند اگر دیگران زیر سند را امضا کرده اند و برخی با امضای خود طرف آن را اقرار می دانند.)

مرحوم محقق نجفی در جواهر می فرماید تثبت ولاية القاضي بما يثبت به غيرها من سماع انشائها و الاقرار به او البينه على ذلك و الاستفاضه الذی تمسی بالشیاع الذی يحصل غالبا من سکون النفس و اطمئنان بمضمونه
مرحوم نجفی می فرماید قضاوت هم با شنیدن هم با اقرار به آن سماع صورت بگیرد یا بینه ای بر آیین دادرسی صورت بگیرد و با استفاضه ثابت می شود با عبارت آخر ایشان معلوم می شود که منظور ایشان نیز علم و یقین منطقی نیست بلکه اطمینان را کافی دانسته است در موضوعات و احکام. هر چند مقتضی شک پدید آمده باشد یا نیامده باشد فرقی نمی کند. جواهر ج 40 ص 55

بنابراین فرمایش باید بگوییم استفاضه گاهی موجب علم یقینی می شود که در این مفهوم اصلا محل نزاع نیست و گاهی ممکن موجب حصول علم عادی بشود و این شیاع مفید علم منظور شیاع موجب ایجاد ظن متقارب به علم است که این هم ملحق به علم می شود و معامله علمی یقینی با آن در فقه می کنند.

در این جا یک بیانی هم مرحوم شیخ اعظم دارد که استفاضه موجب علم حجت است ولی استفاضه ای که علم آور نباشد حجت نیست چون می فرماید لم نجد لحجیه الاستفاضه الغير العلمیه دلیلا یطمئن به ولذا اخطار فی المبسوط عدمها فی القضاء و الشهادات بنابراین ایشان قائل است که ما چیز سومی غیر از علم و ظن نداریم، علم که حجت است و ظن هم که لایغنی من الحق شیئا و ظن متأخم معنایی ندارد. کتاب القضاء و الشهادات ص 74

و الحمد لله رب العالمین

<http://feqhvaqaza.com>